بسر میبرید ،شما هستیدکه میتوانیداین راه .را تا پایان کارتعقیب کنید ،زیرا شما دریافتید که براستی پیروزی کنونی مایک پیروزی ساده نیست ،این کامیابی بهآسانی بدست نیامده این پیروزی ما محصول بیش ازخون یکنیم ملیون شهیدگلگلون قبای ما است ،این پیروزی ما محصول رنجهای فراوانی است که ملت مؤمن ما درهرجا متحمل شدند ،محصول آه وفریاد زندانیها ئیست که درسلول های زندان جهنمی کمونیست ها رنج کشیدند ،محصول آن وفریاد اشک وخون مادران وپدران داغدیده ایست که دررنج فرزندان عزیزشان که دربرابر ظلم استبداد جلادان کمونیزم اجساد پاک شان تکه تکه وپارچه پارچه دربرابر چشم شان افتاده بود ، محصول ویرانی های سرتاسری کشور ما است محصول جدوجهدوبی خوابی ها تکالیف آوارگیها ودربدریها ی ملت قهرمان ما است که از هیچنوع قربانی دریغ نکرد ،حاصل این همه رنج ها واین همه قربانیها پیروزی عظیم امروزی ما است که نباید این بهای بزرگ راکه دربرابر قربانی بزرگی نصیب ملت مؤمن ما شده است بحیث یک متاع کم بها وکم قیمتی ما تلقی کنیم ،ودرحفظ وحراست آن توجه جدی بعمل نیاوریم ،ما یقین

داریم که شما فرزندان انقلابی وجوان هستید
شما نسل انقلاب هستید و شما پاسداران سنگر
و پاسداران انقلاب و اسلام هستید که میدانید که این
منابع گرانقدر و گرانبها را باید با دل وجان حفظ
نمود و اجازه ندادکه با زهنخ دست غارتگری از شرق
و یا غرب از مرزهای بیرون افغانستان برای
منحرف ساختن جهت اسلامی انقلاب در از شود.
پس شما برادران بحیث پاسداران دلسوز
انقلاب عظیم اسلامی هستید، برای این کار رهبرگ
آمادگی کامل خود را داشته باشد و برای پیاده
کردن دولت اسلامی و بمیان آوردن یک جامعه
حقیقی مسلمان در کشورتان بخاطر دفاع از
ستمدیدگان مسلمان در سراسر جهان برای درهم
کوبیدن همه زنجیرهای ظلم و بیخدائی، در همه جا
خود را آماده بسازید، ما یقین داریم که دیگر
افغانستان و ملت مسلمان و قهرمان امروزی
افغانستان بحیث یک ملت نمونه بعنوان یک
ملت پیش آهنگ و قهرمان در میان ملت های
جهان قرار داشته و قرار خواهد داشت، این ملت
آرمان بزرگ ملت های مسلمان را در جهت
سربلندی اسلام و مسلمانان برخواهد رسانید
و ملت قهرمان ما مسئولیت دارد که برای دفاع
از مسلمانان مظلوم در هرجای در هر منطقه از

جها ن کا مها ی مثبت وا نقلابی بردا رد ،ا ینجا ست که وظیفه برا درا ن جوا ن ما ا ست که درین شرا یط ا نقلابی متوجه مسوء لیت ها ی بزرگ خودشوند ، یک بخش ا زکا رها ی ما ا نجا م یا فت ،ا ما مسوء لیت ها ی خیلی بزرگی بدوش ما ا فتا ده ا ست ،کا رهائیکه دردورا ن ا نقلاب ا نجا م دا ده ا یم ،یک بخشی از کا رها ی بس بزرگ وعمده ا یست ،دیروز ما یک دشمن ودشمن آ شکا را دا شتیم که درسنگرها با ا ودررویا روئی میجگیدیم ا ما بعدا زپیروزی دشمن ما تنها یک دشمن روسی نخوا هدبود ،تنها یک ا برقدرت با ما دشمنی نخوا هدکرد ،بعدا زپیروزی وبعدا ز ا ینکه دشمنا ن ا سلام دریا فتندکه ا سلام یک نیروی شکست نا پذیرا ست ،هرنیروی ا سلام دشمن در هرجا ئیکه هست ا کنون درفکردسیسه ا ست به فکر دشمنی ا ست ،وبه تلاش ا ین ا ست که چطورکا ری بکنندکه جلوتشکیل یک دولت نیرومندا سلامی را بگیرد ،لذا ما با یدبرا ی مقا بله با دشمنا ن پنها ن ودشمنا ن علنی خودکا ملا" آ ما دگی دا شته با شیم ،آ ما دگی ا مروزما تنها مسلح شدن با سلاح ها ی مختلف نیست ،آ ما دگی کنونی ما ،آ ما دگی فکری ،آ ما دگی ذهنی ،آ ما دگی تشکیلاتی ا ست که ما بتوا نیم با تشکیلات منظم با آ ما دگی کا مل ذهنی وفکری جا معه خودرا درست رهبری کنیم ،

ملت خودرا که بعدا زپیروزی عظیم منتظر رهنمائی ورهبری سالم است ،درست اورا رهبری کنیم وبا دشمنان اسلام در هرلباسی که هستند وبا هرشکل که برضدما دشمنی کنند باید علیه آنها آمادگی کاملی داشته بوده باشیم ،لذا تشکیل چنین اجتماعاتی که امروز بحیث یک گام بسیار مهمی شما در این جهت برداشته اید ترتیب حلقه های تربیتی ،ساختن یک تشکیل منظم از جوانان های انقلابی وتوسعه آن درسراسر افغانستان در شرایط کنونی امری بس مهم وبا ارزش است تا ما بتوانیم با هرنوع فتنه با هردسیسه مقابله بکنیم .

برادران عزیز،یقیناً که ما امروز در برابر یک چلنج خطرناکی قرار داریم ،این چلنج چلنجهائیست که شاید بعداً از خارج وقسمتی در داخل کشور با شد وما باید با این چلنج ها خودرا با مقابله با این چلنج ها خودرا آماده بسازیم ما باید حکومت اسلامی بسازیم ،دولت اسلامی تشکیل شود ،ودولت اسلامی توسط سنگرهای نیرومند اسلامی با اراده ملت قهرمان ومؤمن ومسلمان ما دولت اسلامی تشکیل شود وما در انتظار تشکیل چنین دولتی هستیم ،لذا ما باید برای این کار بزرگ خودرا آماده بسازیم .بمردم آگاهی

بدهیم ،برای ملت قهرمان خودرا ءورسم مبارزه های فکری وذهنی ورا ءتشکیل یک دولت اسلامی را برای شان بیاموزیم که دیگرطوریکه درگذشته ها مردم مسلمان درکشورما ودراکثرکشورهای مسلمان درمسایل سیاسی بیشترعلاقه نداشتندوتقریبا " بصورت غیرمرئی جدائی دین ازسیاست" ، دوری عناصرمتدین وموءمن ازتشکیلات دولتی یک امری کاملا "محسوس بود ،دیگرآن دوره ها نباید تکرارشود ،باید همه عناصرمخلص وموءمن در تشکیل دولت سهم بگیرندوباید کسانیکه حق باآنهاست ،مردم مسلمان افغانستان ازآنها پشتیبانی میکنندباید درتشکیل دولت آینده ء افغانستان سهم اساسی وعمده داشته باشندبا این ارتباط قضایای که با چندی قبل بمیان آمده وتعدادزیادی ازمردم افغانستان را ومردم جهان رابه یک حالتی روبروساخته باشدکه بکلی قبلا "پیشبینی نکرده ونمیکردندکه چنین حالتی بمیان بیایدکه احزاب نیرومندوقدرتمندی که درصحنهء جهادوانقلاب مطرح است درسرفهرست کاروسیاست واداره قرارنگیرند ،البته این یک پدیده ایست که ماعوامل ازاین هرچیزیکه بوده رادروی اوتبصره نمیکنیم ،اما بحیث یک درسی باید ازین نتائیجی بدست بیاوریم

ومتوجه شویم که اگر ما درست برای پیاده کردن دولت اسلامی سهم موثری نمیگیریم ممکن در آینده هم کارهای صورت بگیرد که اکثریت قریب به اتفاق ونیروهای مُسَلَّم جهادی از سهمگیری اساسی درتشکیل دولت دوربمانند ویقینا" زمانیکه نیروهای اساسی درتشکیل دولت سهم موثری نگیرند ،حکومت ها ودولتهای ضعف بمیان می آیدکه آسیب پذیراست ودشمنها میتوانند به آسانی ساا ومقابله کنند وهرنوع اهداف شوم خودرا پیاده کنند .لذا طوریکه درگذشته گفتیم یکبار دیگر این نکته را هم بحیث یکی از واقعیت ها باید تکرار بکنیم که برای پیاده کردن یک دولت نیرومند ومستحکم جبهات نیرومند ومستحکم وسهمگیری همه مردم افغانستان امر انکار ناپذیراست که باید جبهات نیرومند ما ، اکثریت مردم ما ،وهمه مردم افغانستان باید در تشکیل دولت درتشکیل یک دولت قوی ونیرومند سهم موثری داشته ودا شته بوده باشند تا مانع دسایس دشمنانی شوندکه میخواهندبا بمیان آمدن دولت های ضعیف ودولت هائیکه ریشه های مردمی ندارند ،افغانستان وانقلاب اسلامی ما را درمعرض خطرهای مختلف قرار بدهند ، لذا بشما برادران جوان وشما نیروهای انقلابی

توصیه میکنیم که باید شما از همین حالا در میان مردم و در متن توده های عظیم انقلابی خود طوری قرار بگیرید که تا اینها بفهمند که برای آینده برای تشکیل یک دولت انتخابی و یک دولتی که بتواند افغانستان را از کشمکش های مختلفی که در آینده در انتظار دارند رژیم نجات بدهد، چه نوع یک تصمیم عادلانه و درستی بگیرند و یقیناً که کار های مثبت شما اثرات بسیار عمده و مهمی خواهد داشت، در ارتباط با پدیده های چند روز قبل، هیچ یک از ما البته با وجودیکه اظهار تعجب میکنیم ما یاءس و نا امیدی به هیچکس دست نمیدهد، زیرا در تاریخ پدیده های مختلفی بمیان میآید، پدیده هائیکه مطابق دلخواه و یا مطابق با واقعیت ها گاه گاهی نمیباشد.

این پدیده ها بما میآموزد که ما برای جلوگیری از تکرار چنین حوادث چه کار ها ئیرا در آینده انجام بدهیم تا خدای نخواسته حالتی بمیان نیاید که سنگر های اصیل انقلاب احساس محرومیت بکنند.

برادران عزیز! من یقین دارم که شما متوجه حقایق بوده و میباشید.

برادران گرانقدر! در صحبت امروزی خود من تنها و تنها مطالب مختصری خدمت شما بعرض

رسانیدم ودر افتتاح جلسهٔ امروزی شما شرکت کردم من از همهٔ شما اطها رقدردانی وشکران میکنیم وصحبت های مفصلی ومطالب زیاددیگری درجلسات روزهای بعدی خواهیم داشت ومطالب زیادی است که با شما درمیان میگذاریم ،خداوند "ج"همه ما وشما زا دررا هخدمت به اسلام توفیق عنایت بکند وپروردگار به ما وشما قدرت بدهد که هرچه زودتر درافغانستان آزاد دولت اسلامی را تشکیل بدهیم وما ذالک علی الله بعزیز اقول قولی هذا واستغفرالله لی ولکم انه هوالغفورالرحیم والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته .

قسمت دوم

متن سخنرانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمدلله رب العلمين والصلوة والسلام علی سیدنا ونبینا ومولانا محمد وعلی اله وصحابته ومن دعی بدعوته وجاهد فی سبیله الی یوم الدین.

برادران گرانقدر وعزیز! جوانان ررمنده ومؤمن.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته وبعد:

جای بسیار خوشی است که امروز در مجلس سما برادران دربین سمینا رشکوهمند شما سخنان مختصری درارتباط با مسایل وفخا یائی خدمت شما بعرض میرسانم:

نقش جوانان در تحولات جامعه

متن سخنرانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان

البته نقش جوانها در انقلاب های جهانی وبخصوص انقلاب های اسلامی مطلبی است که همه کسانیکه با تاریخ انقلاب ها و با تاریخ اسلام آشنائی دارند به این حقیقت آگاه هستند که در طول تاریخ علیه جباران وستمگران قیام های سرتاسری ملت ها صورت پذیرفته وعناصر که در پیشاپیش این قیام ها، قرار داشتند عناصر جوانی بودند که بر فرق جباران کوبیدند وبتهای ستمگران را درهم شکستند که قرآن عظیم از داستان ابراهیم "ع" بت شکن چنین حکایت میکند: "فتی یذکرهم یقال له ابراهیم" جوانیکه بت را شکسته است همان ابراهیم است. اصحاب کهف که در برابر ظلم واستبداد زمان شان در برابر دکتاتور عصرشان قیام کردند آنها هم گروهی از جوانانی بودند "انهم فتیة آمنوا بربهم وزدناهم هدای" گروهی از جوانانی بودند که بخدا "ج" ایمان داشتند ودر برابر دکتاتور زمان شان قیام کردند.

در عصر انقلاب اسلامی، در دورانیکه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم اولین هسته های انقلاب شکوهمند اسلامی را پایه گذاری مینمودند، در خانه ارقم ابن ابی الارقم سی وهشت وبا چهل تنی که در تربیت گاه پیامبر گرامی تربیت میشدند، تا انقلاب جهانی اسلام را رهبری کنند، باز هم گروهی

ازجوانانی بودندکه بزرگسال شان حضرت ابوبکر صدیق "رض" سی وهشت سال داشت ودرمیان شان علی "رض" ابن ابیطالب ده ساله وجوانان هجده ساله وچهارده ساله وبیست ساله ودرین حدود جوانانی بودندکه درتربیتگاه رسول اکرم "ص" رسیدوتربیت یافتند.

درانقلاب اسلامی ما هم درافغانستان عزیز این حقیقت را همه میدانیم که جوانان موءمن ما با قلم وکتابچه وبا سنگ وچوب ازمیان مکتب ها ودرسگاه های خودبرآمدند، پشت سرعلماء وپیشوایان دینی ورهبران مذهبی خودعلیه الحاد وکفرشعارردادند، قیام کردند، شهیدشدند، وسرانجام به لطف بی پایان الهی امروزانقلاب اسلامی ما هم به مرحلهء پیروزی رسیده، محصول قهرمانی وفداکاری همه ملت ما ودرپیشاپیش آن نسل انقلابی، نسل قهرمان وجوان است.

سراسر درمشرق زمین معمولاً نسل های جوان درانقلاب ها، نقش خیلی عمده واساسی داشتند، ما وقتیکه درتاریخ شرق میانه نظری برمیافگنیم دردوره های استعمار، درآندوره ها که سیاستمداران اگرهم بودندامابه آن اندازه کشش وجذابیت وقوت ونیرومندی که بایددربرابر استعمار، مبارزه کنندنداشتندوچنین حالتی در

وقتی سراغ میشود که میبینیم قیامهای جوانان مسلمان مصر جوانان مدارس وپوهنتون ها در برابر استعمار انگلیس با سرحدی قیام میکنند که بالاخره سیاستمداران انگلیس خود اعتراف می کنند که قیام جوانان مصر خیلی آگاهانه تر است از نقشه های سیاسی سیاستمداران‌ش وسرانجام همین قیام ، استعمار انگلیس را مجبور میسازد که (سعدزغلول) را که باید بحیث نماینده مصر در کنفرانس پاریس (بجای استعمارگران خارجی) از مردم مصر نمایندگی کند بصفت نماینده مردم مصر قبول بکنند ، ودرکنفرانس بفرستند وعجیبتر اینکه انگلیسها هم با این حال باز هم نمیخواهند بمردم مصر حق بدهند ، سعدزغلول بمحض اینکه به پاریس میرسد ، اینرا زندانی میکنند وبه جزیره مالتا روان میکنند ، بار دیگر قیام سرتاسری جوانان در مصر شروع میشود وبار دیگر انگلیسها مجبور میشوند که سعدزغلول را از مخفی‌گاهش (از جائیکه اورا فراروز زندانی ساخته اند)دوباره بمصر برگردانند وقدرت سیاسی مردم مصر را بنماینده اش به سعدزغلول بسپارند .

البته چنین قیامها درطول تاریخ درکشورهای مختلف اسلامی سراغ شده وهرجا چنین قیامهائی

دیده شده ودیده میشود وازهمین لحاظ است که کمونیست ها به عناصریکه بسیار زیاد توجه میکنند درمبارزات سیاسی خود، بیشتر روی عناصر جوان، روی عناصر محروم وطبقاتیکه آنها دهقان وکارگر هستند، روی اینها بیشتر تکیه میکنند تا بتوانند انقلابهای خودرا به پیروزی برسانند، واز انقلاب های هرزهٔ خودپاسداری وحمایت بکنند، درحالیکه ما میبینیم مسلمانها باید به این عنصر توجه بیشتری داشته باشند، زیرا میبینیم رسول اکرم "ص" دراولین هستهٔ انقلابی خودگروهی از جوانان وحتی کودکانیکه تا هنوز به سن بلوغ نرسیده اند دراین سنگر انقلاب جهانی خود آنها را شامل مساز دو میبینیم که رسول الله "ص" بجوانها وحراست وحمایت وسرپرستی جوانها توصیه میکند "اتقواالله فی الشباب" (درمورد جوانان ازخدا بترسید").

پیامبر میفرماید چون من قیام کردم "خالفونی الشیوخ و حالفنی الشباب" وکمال قال (عده ای ازسرکردگان کهنه سال قریش با من مخالفت کردند اما همین جوانان بودند که ازمن حمایت کردند وپشتیبانی نمودند).

ما میبینیم عنصر دیگری راکه رسول اکرم "ص" بآن توجه اساسی دارد، عنصر محروم وضعفا است که

رسول اکرم "ص" میفرماید.

" انما تنصرون وترزقون بضعفائکم او کما قال"

شما مسلمانها از برکت ضعفا و محرومین خود کامیاب میشوید وروزی میخورید. ما میبینیم که همچنان با زهم به عصر کارگرید دهقان به طبقات محروم بعضی بعوام چندان توجه جدی بعمل نمی آید، درجهان اسلام و برخلاف دشمنان اسلام هست که کارگری، تنظیم های دهقانی، امثال تنظیمها و موسسات را بمیان میآورند، تا حتی در کشورهای اسلامی توسط این گروه ها قدرتها را میگیرند و افکار منحرف والحادی خود را حاکم بسازند.

برادران جوان بعینا" میدانید که اصلا" انقلابها وشوراهای انقلابی گاهگاهی از حرکت یک جوان و حتی یک کودک خوردسالی هم صورت میگیرد. ما در تاریخ، حادثه ای را از زبان بیا میبرگرامی خود شنیده ایم که رسول اکرم ص در حدیثی یکی از داستانهای تاریخی را حکایت میکنند:

درصحیح مسلم بروایت صهیب "رض" روایت میشود که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم میفرماید که در میان ملت های پیشین یک پادشاه ظالم وستمگری بود و او ساحر و جادوگری

داشت .واین ساحروجادوگردرروزگاری که احساس
میکرد بمرگ نزدیک شده از این زمان مادر طالم
وجبار خواست ،تا کودک هوشیاری را جهت آگاهی
سحروجادو برایش تسلیم بکند تا سحر را یادبگیرد
وتا سحروجادوگری دردربار زمامدار جبار و مفسد
اداه بیابد ،زمامدار ظالم هم کودکی را موءظف
میسازد تا بخانهء ساحر برود وروزانه درس سحر
وجادوگری را بیاموزد ،دردوران رفت وآمد
روزی کودک چشمش به کلیسائی میافتد و داخل
کلیسا میشود ودرآنجا راهب وپارسائی را
درمی یابد که درحال پرستش پروردگاریکتاست
وهمیش هم جبار ان ظالم برا ساس سحروجادوگری
میخواهند مردم را از حقایق بدورنگهداشته باشند
از پرستش پروردگار یکتا بدورنگهدارند و مردم
را فریب بدهند ،این کودک هوشیار که طبیعت
وفطرت اسلامی اش هنوز نمرده وقتیکه در دیر
وکلیسا زاهد یکتا پرستی را میبابد ،واز من بع
توحید وخدا پرستی حقایقی را می آموزد ،زاهد
کلیسا نشین هم برایش دستور میدهد که توروزانه
در وقت رفت وآمد لحظاتی نزد من بیا ومعارف
اسلامی را از من بیاموز اما متوجه باش که از
اسرار ت کسی خبر نشود ، وقتیکه اگر ناوقت پس
بخانه میروی بگو که درراه مشکلی برایم پیش شد

وبا بردسا حر بیشتر ما ندم واگر پیش ساحرنا وفتبر
مبرسی با زهم بگو : درمسیر راه با درخانه کسازی
داشم که بروفب بتوانستم برسم و اسرار را با خود
نگهدارم. ساحر همه چیز را برایش مییآموزد واین هم
ازراه چیزهائی را آموخته چیزهائیکه هم بدرد
دس میخورد وهم بدرد دنیایش وطوریکه پیشتر
برادری درقسمت فرهنگ اسلامی واَبعاد مختلفی
راکه این فرهنگ وتعلیمات اسلامی شامل میشود
اشاره ای کردکه فرهنگ اسلامی تنها یک فرهنگ
مادی نیست وهم یک فرهنگ به اصطلاح ترک دنیا
نیست ،به این معنی که : " لاتظلمون ولاتظلمون"
نه ظلم را قبول میکندونه برکسی ظلم میکند .
" فاعتدوا بمثل مااعتدیعلیکم " چون مورد
تجاوزقرارمیگیرد ،باید ازتجاوزدفاع بکند
اینشا ردارد ،اما به رهزن ودزداجازه نمیدهد ،زیرا
میفهمدکه مثلا"یک مسلمان ازراه اینشار اگرمالی
را به کسی میبخشداین هدیه وهبه است ،اگرعین
این مال را همان برادرش اختطاف میکندودزدی
میکند ،اوهمجنایت کرده واگرمسلمان هم باز
دربرابرجنایت خاموش میباشداینهم بخود ظلم
کرده وبازهم ازمعارف وفرهنگ اسلامی بدوررواقع
شده ومسلمان طوری است که قسمیکه پیشتربرادرهم
گفت یعنی فرهنگ اسلامی یک فرهنگ جامع است

اسلام برای ما امر میکندکه هم به تعمیر دین خود وهم به تعمیر دنیای خود کار بکنیم " اعمل لدنیاک کانک تعیش ابدا واعمل لاخرتک کانک تموت غدا " .

پس مسلمان یک عنصری است که راجع به همه چیز باید فکر کند ، راجع به امروز و فردای خود راجع به دنیا و آخرت خود ، راجع به معاش و معاد خود ، به جنگ و صلح ، به همه باید بیند بشد ودرهمه چیز باید بیطرف و بی خاصیت نباشد .

سیدجمال الدین افغانی یک مطلب بسیار دلچسپی را بیان میکند و میگوید " که یقینا " هرمسلمان مخالف وطنفروشی است وهر وطنفروش درنظرهرمسلمان خائن است "اما تنها اینکه وطنفروش خائن است وظالم است وازحدود اسلامی دور شده تنها اورا نباید ملامت کرد بلکه اگر در محیطی مسلمانها ببینند عناصریکه وطن را میفروشند واین خیانت وجنایت را میکنند ، دیگرها تماشاچی میباشند ، اینها هم درهمان خیانت شریک هستند ، البته این متن مفهوم همان آیه مبارکه است ، خداوند "ج" میفرماید :

" لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل علی لسان داود وعیسی ابن مریم ذالک بما عصوا وکانو یعتدون ، کانوا لایتناهون عن منکرا فعلوه لبئس

ما کانوا یفعلون
به‌هرحال یک مسلمان راجع به‌همه‌قضایا وراجع به‌معاش ومعاد، راجع به‌همه‌آنچه‌درزندگی وبعد اززندگی است باید فکرکند.

اینجاست که‌راهب همچنانکه‌تعلیمات ارزشمنداسلامی رابرای این کودک میآموزد برای زندگی اش هم‌هنرهائی که‌براساس معنویت وبراساس تقوی وپاکی نصیب بعضی ازمسلمانان پاکدل میشودبرایش رهنمائی میکند، به‌هرحال ازبرکت معنویت وازبرکت تقوی وفضیلت روزی براهی روان است که‌می بیندمردم‌جمع هستند وازدهائی درمسیرراه‌قرارداردوهمه‌خوف‌زده نزدیک شده‌نمیتوانند، کودک دعا میکندکه‌خدایا "ح" اگراین مردم‌بحق هستندومظلوم‌هستند خدایا "ح" این شرراازسرشان دفع بکن، وخداوند "ح" این شرراازسرمردم‌دفع میکندوازدهاپراه خودمیرود. دراینجاست که‌مردم‌فکرمیکنندکه راستی شایداین کودک سحررامکمل یادگرفته وحالادیگراویک ساحرمکملی شده، اینجاست که همه‌کس میخواهندسرداورجوع کنندوازاوطلب کمک ویاری درامورزندگی ودنیائی خودبکنند بنزدکودک میآیندوازاومیخواهندکه‌به‌برکت سحرخودجنین وچنان بکن، امراض مارا تداوی

بکن ،البته این دعا میکند بعضی کسانیکه به امراض مختلفی (پیس وسفلیس وامثال امراض) مبتلاهستندخداوندانیها را شفا میدهد ،مردم تصور میکنندکه این برکت سحراست اما این کودک میگوید نه خیراین از لطف پروردگار است .
وحدیث ادامه میدهدکه روزی یکی ازمقربین پادشاه چشمش نابینا میشودبه هرجائیکه به تداوی میرود ،جائی هم علاجش نمیشود ،دراینجا بعضی از مردم میگویندکه همان کودکی راکه نزدساحر ، پادشاه فرستاده بودا ومیتواندنابینا ها را بینا بسازد ،به نزدا وبرو ،پیش کودک میرودا ومیگوید که تواز برکت سحرخودچشم مرا بینا بساز .او میگوید نه خیراین کاررا من کرده نمیتوانم ،این کار خدا "ج" است واز خدا "ج" من میخواهم که چشم ترا بینا بکندوتوهم ازخدا "ج" بخواه که چشمت بینا شود ، ودعا میکندوخداوندچشم اورا بینا میسازد ، چون موضوع به نزدشاه میرسدوشاه ازاوپرسان میکندکه عامل بینائی توچه شد ، گفت خداوندچشم مرا بیناساخت ،پادشاه مغرور وخودخواه وظالم که همیش عناصرمستبدوخودخواه دعوای کبروغروروحتی خدائی میکنند ،أ وفکر میکندکه غیراز خودش کسی دیگری درجهان وجود ندارد ،میگویدمگر بغیرازمن خدای دیگری هست ؟

اسم کتاب : نقش جوانان درتحولات جامعه

متن بیانیه پروفیسوربرهان الدین ربانی

رهبر جمعیت اسلامی افغانستان

طبع : دوم

تاریخ : ماه اسد سال ۱۳۷۲ هـ ش

تیراژ : ۲۵۰۰ جلد

ناشر : انجمن نویسندگان وسخنوران جمعیت اسلامی افغانستان

مهتمم : غلام رسول « قرلق »

اومیگوید بلی ! خدای که خدای همهٔ ماست
وجود دارد. اینجاست که پادشاه ظالم متوجه خطر
جدی واساسی می شود که راستی حال مردم در
بارگی نگاه شده و حال کم کم دارند که اینها
متوجه حقایق میشوند. اینجاست که این شخص را
مورد فشار قرار می دهد تا کودک را بیاورند و کودک
را مورد شکنجه و آزار قرار می دهند تا از او بپرسد
که این همه چیزها را تو از کجا یاد گرفتی. باز
راهب را می آورند و راهب هم مورد شکنجه و آزار
قرار می گیرد یک راهب کشته میشود اما راه
خدا را ترک نمی کند. شخص دوم که یکی از مقربان
پادشاه بود و هم در راه اسلام وعقیدهٔ خود کشته
میشود اما از راه حق منحرف نمی شود و کودک را
نمی کشند و می گویند که این را شما ببرید و از کوه
پائین بیندازید. می برند. پولیس ها این کودک
را از کوه "لول" میدهند. این کودک بنام
خداوند از خداوند پناه می خواهد کوه بلرزه میآید
و بجای اینکه خود کودک کشته شود افرادی که بخاطر
کشتن او یکجا رفته بودند از بین میروند. بار دیگر
امر می کند که این را در کشتی بیندازید و در بحر
غرق بسازید. چنین کاری صورت می گیرد و همه
کسانیکه می خواهند این را غرق بسازند، همه از
بین میروند و غرق می شوند. تنها کودک را خداوند

نجات می دهد ،زمامدار ظالم حیران می ماند
این را به چه شکل بکشد وقادر به کشتن او نیست
دراین جا به این نتیجه می رسیم که براستی طوریکه
شعرفارسی می گوید:

اگر تیغ عالم بجنبد زجای
نبرد رگی تا نخواهد خدای

اگرخداوند نخواسته باشد هیچکسی به هیچکسی
هیچ اذیت رسانده نمی تواند اما باز هم کودک
سرحقیقت را به این زمامدار ظالم می گوید
وبرایش بیان می کند که توهرگز مرا کشته
نمی توانی اما تنها راه کشتن من اینست که
وقتیکه بالای من فیرصورت می گیرد بگوکه (بربّ
هذاالغلام) بنام خدای کودک این فیرصورت
می گیردواووقت این کودک شهید می شود ،شهادت
یک طفل انقلاب را بمیان می آورد.

همه فریاد می کشندکه ((آمنا بربّ هذا
الغلام) ما به پروردگار این کودک ایمان آوردیم
پادشاه بکلی حیران می ماند ،دراینجا پادشاه
وقتیکه می بیند همه مردم مسلمان شدند ،خندق
هائی ازآتش را می سازدومسلمانها را می خواهد
یکی بعددیگردراین خندق بیندازد ،مطلب
شیرینی است ببینیدکه دراین جا حتی یک طفل
که هنوزدرابتدای عمرش است ،برای تقویهٔ روح

صبر و استقامت چه نقش سازنده‌ء را انجام میدهد
هرکسی را و هر مسلمانی را در میان خندقهای
آتش فرو می ریزند، مادری با کودک خود آمده
و مسلمان است، درین جا دا هی تردد می کند که
خود را میان آتش بیندازد و درین جا فکر می کند
که طفلش همراهش است، دلش بحال طفلش میسوزد
کودک می گوید، ای مادر مادر از چه می گریزی
از بهشت برین الهی می گریزی خود را میان
آتش بینداز و مادر هم جراءت می کند و خود را
در میان آتش می اندازد، از ین حدیث مبارک
چه نتیجه می گیریم: می بینیم که یک طفل خورد
سال که در آغوش مادر است کودک اولی باعث
شد که یک انقلاب عظیم و شکوهمندی را بمیان
بیاورد، یکجامعه را از تاریکی کفر و الحاد نجات
بدهد، زنجیر و طلسم جادوگران و جادوگری را درهم
بشکند، و یک قوم را علیه پادشاه ظالم و ستمگر
بشوراند و یک قیام و یک انقلاب را بپا کند و این
هم یک طفل خوردسالی است که این کار بزرگ را
انجام میدهد و کودک دیگری که هنوز هم در عنفوان
کودکی و صباوت خود را باعث می شود که کسانیکه
در برابر ظلم مقاومت می کنند برای شان صبر
و استقامت و استمرار در مبارزه ببخشد پس ما به
این نتیجه می رسیم که براستی اطفال، جوانان

وکودکان در انقلاب ها نقش سازنده دارند واین
درس بزرگی است که ما باید بیاموزیم ونقش
جوانان، نقش محصلین، نقش طلاب مدارس دینی
نقش بانوان وکارگران انقلاب خود را ازنظر دور نداشته
باشیم. همین ها هستند که اگر دیروز در سنگرهای
خونین در برابر دشمن جنگیدند، برای فردای
افغانستان باز هم همین ها هستند که انقلاب را
حراست وپاسداری می کنند وپس توجه به این قشر
پاک فطرت یک امر خیلی ها ارزشمند ومهمی است
که باید به قشر جوانان، بکودکان واطفال ما ن
به بانوان وکارگران انقلاب مان سخت توجه بکنیم
وسخت بکوشیم که این ها بی تفاوت وبی خاصیت
باقی نمانند وباید در مسیر انقلاب این ها نقش
سازنده ونقش موثر خود را اداء بکنند، لذا ما
با جبین گشاده وبا سینه فراخ، انتقادهای اینها
را می شنویم، حرف های این ها را بگوش دل
می شنویم، هر انتقادی که می کنند، هر آگاهی
وسبقی که برای برادران بزرگ شان می دهند
باز هم ما این ها را استقبال می کنیم ودر برابر
شان اظهار تشکر وخفقان نمی نمائیم ما کاملا
مطمئن هستیم که اینها از دل پاک ارزش های
اسلامی را در حدود فهم وفطرت اسلامی خود اینها
به برادران بزرگ خود می شنوانند، لذا ما

امیدوارهستیم که با این قشربا ارزش انقلاب ، همکاری جدی واساسی بعمل بیاید تا درشرایط کنونی که شرایط خیلی عمده واساسی است اینها بتوانند کار اساسی خودرا درحراست وپاسداری از انقلاب وپیروزی اسلام درافغانستان عزیز وپاسداری از دست آوردهای انقلاب اسلامی مان انجام بدهند .

برادران عزیز ! مطلب دیگری را که باید متوجه باشیم این است که جنگ ها درما بین ملت ها تحولات مختلف را بمیان می آورد.جنگ ها ویرانی هائی را ببار می آورد ،جنگ ها محرومیت های جدیدی را ایجاد می کند ،جنگ ها معوبین ومعلولین ،فقرومحرومیت ها را بار مغان می آورد ،اما درعین حال همین جنگ ها هستند که دوباره ملت ها را هم زنده می کنند .خون دادن وشهیدشدن رمزبقا واستمرار ملت ها است ،ملت هائی را که درراه عقیدهٔ خودخون ندهند ،بقیمت وارزش معتقدات دینی خودپی نمی برند .ملت هائی که دربرابر کشمکش های خونین قرار نگیرند آنها به حیث ملت های مرده ومحکوم هویت دینی وملی خودرا از دست می دهند .ازینجاست که پیغمبراکرم "ص" می فرماید :که ذلت وخواری همره با ترک جهاد ومبارزه است وهیچ ملتی

نیست که آنها جها دو مبا رزه را ترک گفتند مگر اینکه بخواری ورسوائی وذلت روبرو شدند. اما جنگ ها وقیا مها با لاخره ملت ها را زنده میسازد. سهم گیری ملت ولو بصورت بسیار محدود باشد با زهم در آینده هر ملت تاثیری دارد. ما با زهم درکشورهای شرق میانه می بینیم در جنگ عمومی اول اکثر کشورها در شرق میانه در زنجیر استعمار انگلیس بسر می بردند، اما با یک موضع گیری محدودی، مصری ها توانستند در جنگ اول هویت ملی خودرا بدست بیاورند و یک حرکت احیای ملت مصر در ما بین مردم مصر زنده شد و عذاب که به آرزوی آزادی و بخاطر سربلندی ملت مصر بمیان آمد و گویا جنگ عمومی اول باعث شد که مردم مصر ملیت مصری خودرا دوباره بدست بیاورند تا پیش از جنگ عمومی اول شرایطی بر ملت مسلمان مصر آمده بود که کم بود که ملت مصر اصلیت مصری خودرا از دست بدهند و باز می بینیم که جنگ عمومی دوم همین ملت مصر را به حیث یک ملت قدرتمند در می آورد، به حیث یک ملتی که از خود ارتشی، از خود تمدن و از خود یک نیرومندی دارد اگرچه با زهم این نیرومندی های شان سراسر بر محور و بر اساس تعلیمات اسلامی استوار نبود اما بهر حال با زهم جنگ ها بود که این ها را زنده ساخت.

ما می بینیم که جنگ ها ملت جاپان را بعد از ویرانی، امروز به حیث یک ملت قدرتمند اقتصادی درآورده .جنگ ها با وجود خرابی هائی که در آلمان به میان آورد باز هم آلمانی ها بحیث یک قدرت به میان آمدند .

امروز در افغانستان بعد از جهاد عظیم اسلامی خود در برابر چنین یک پدیدهٔ تاریخی قرار داریم جنگ به تعبیر دیگر ان وجهاد ما ن به اصطلاح خود مان که ما برای آزادی کشور مان و برای دفاع از معتقدات دینی خود آغاز کردیم یقیناً" تلفات زیادی داشت ،یک ونیم ملیون شهید دادیم ، افغانستان ویران شد ،هر طرف و در هر خانه یتیم ومعلول ومعیوب ومجروح داشته و داریم وقریه ها وشهرهای ما ویران شد . درین حال بعد از اینهمه خرابی ها نقش انقلابیون تنها این نیست که یک مرحله از مبارزهٔ خود را به پیش ببرند ودر مرحلهٔ دوم بگذارند که هرچه میشود بشود و باید همه چیز را بحال خود بگذاریم ،ویرانی های جنگی خود را بگذاریم که اروپائی ها و امریکائی ها جور بکنند یا به اصطلاح روسها سهم بگیرند .در اینجا راستی باز هم وقتیکه ما در فضای تاریخی می بینم گاهی هم شرقی ها مخصوصاً" شرقی های مسلمان یک خاصیت منفی در بعضی انقلاب های

شان به‌چشم می خورد یعنی شور انقلابی و قیام های پرشور ملت های مسلمان تا وقتی به‌پیش می رود که یک طغیان گر را سرجای خود بنشانند وا ورا سقوط بدهد یا یک استعمارگر را ازکشور خود بکشند اما وقتیکه آن استعمارگر ازکشورشان برآمد، دیگر با رای کشور و این انقلاب را بحال خود می گذارند، هرکس هرکاری که کرد، ملت الجزایر هم چنین کار را کرد: در دوران انقلاب شان ازخود شور و شوق انقلابی نشان دادند، تلفات عظیمی دادند، قربانی های بی دریغی دادند، اما به محض اینکه انقلاب پیروز شد، احساسات فروکش کرد، مردم همه آرام و سبکبار به اصطلاح به کار و به روزگار خود مشغول شدند اما فکر نکردند که اصلا" مسوءلیت انقلابی شان تنها شکست یک استعمارگر نبود بلکه یک بخش از کار و مسئولیت خود را انجام داده بودند، هدف عمده و اساسی شان این بود که با ید استعمارگر را درهم بکوبند و بر بنای ویران استعمارگر این تمدن و عظمت اسلامی خود را پایه‌گذاری کنند که چنین کاری نکردند و امروز هم با مصائب فراوانی ملت مسلمان الجزایر روبرو است.

ما هم در افغانستان عزیز خود باید این طبیعت شرقی را کنار بگذاریم، یعنی به این شکل نباید

بباندیشیم که کار ما مجاهدین تمام شد، روسها را از کشور کشیدیم، فردا هم خلقی‌ها را سقوط میدهیم وحرب خلق وپرچم از بین رفت، دیگر هر که بهر جائیکه می خواهد برود و دیگر ما برای آینده کاری نداریم " مال الله ومال قیصر لقیصر" کار دنیا را اهل دنیا میدانند وما اهل آخرت هستیم ما باید تنها به همین اکتفاء کنیم که مجاهد بودیم وجهاد کردیم وجهاد خود را به پیروزی رساندیم این البته یک مبارزهٔ مکمل اسلامی نیست بلکه مبارزهٔ مکمل مازمانی با اثر ونتیجه خیز میباشد که ما مرحلهٔ بعد از پیروزی را مهمتر از مرحلهٔ قبل از پیروزی فکر کنیم باید متوجه بوده باشیم که بعد از مرحلهٔ پیروزی زیادتر سپ وتلاش وجد وجهد صورت بگیرد وباید جوانها به کار بیفتند.

البته در کشورهای اسلامی بدبختانه هستند نظام هائی که جوانها را بکار رمی اندازند اما بچه کارها؟ بکارهای سپورتی، ملیونها دالر بخاطر ساختن مراکز سپورت ونمایشها برای جوانها مصرف می شود اما برای رهبری فکری کمتر توجه صورت می گیرد حتی بعضی ها از بیم اینکه نشود جوانها بکارهای اساسی وبنیادی متوجه شوند وکارهای اساسی وبنیادی را بدست خود

بگیرند ،نیروهای جوانی اینها را درکارهائی
مشغول می سازندکه صرفاً اینها به توپ فوتبال
وبه توپ های بسکت بال وسائرسپورت ها آشنائی
پیدا کنندواما ازآنچه درکشورشان می گذرد
وبرای آینده کشورشان چه کاری باید بکنند
این ها را بکلی بدورمی سازندودیده میشود
که حتی کشمکش ها درمیان دوتیم فوتبال
یا والیبال بقدری است که گویا دوسنگرجهادی
دربرابرهمدیگرقرارداردوهرطرف می کوشدکه
بردیگرغلبه حاصل کند.
ما درانقلاب اسلامی مان درموردنیروهای جوان
خودقسمیکه به تربیه بدنی شان متوجه میباشیم
به تربیه فکری وبه آگاهی سیاسی وبه
حقیقی اسلامی این ها نیزمتوجه بایدباشیم
واینها راطوری تربیه کنیم وآگاه بسازیم تا اینها
بتوانندبه حیث نیروهای محرک نیروهای
پرقدرت درمتن جامعه ازانقلاب شان پاسداری
کنندواجازه ندهندکه نه صرف دوران تعلیمات
اسلامی بعدازپیروزی اسلام سرسرنوشت ملت ما
حاکم شود.
برادران عزیز! راستی دردوران انقلاب
تلفات سنگینی دادیم .مشکلات فراوان نصیب
ما شداما درجریان یک انقلاب صبرواستقامت

بسم الله الرحمن الرحیم

نسل جوان وموقعیت ونقش سازنده آن دراجتماع مطلبی است که از اهمیت و ارزش آن هیچ کسی نمیتواند انکار کند. فرزندان امروز جامعه گردانندگان چرخ عظیم نظام اجتماعی مرز وبوم وحتی دنیای خویشند. تربیت فکری سالم وبار آوردن یک نسل هدفمند وآگاه که به دردمندی ها، ومحرومیت های اجتماعی زمان خویش بیاندیشد ورنج مردم خود را لمس کند، ضرورتی است که نمیتوان از کنار آن بی توجه رد شد. اسلام منحیث دین جهانی وانقلاب آفرین درارتباط با تربیت

انقلابی ،تنها محدود به یک دورهٔ بخصوصی نمی باشد
در روزگار پاسداری وحمایت وحراست ازدستــــــــــ
آوردهای انقلاب ،بهمان فداکاری وقربانــــــی
وبلکه بیشتر از آن فداکاری وقربانی که در دوران
جهاد داشتیم ،نیاز داریم..
بلی : باید آنچنان که در روزگار هجرت و در سنگــر
های جهاد درس صبر و استقامت ،می آموختیــــم
وما برومقاوم بودیم در دوران پاسداری از انقلاب
مان هم باید با همین روحیه وبا همین راه ورسم ،
کار خود را به پیش ببریم.
در راه پیروزی انقلاب ودر راه پاسداری انقلاب ،
قسمیکه در دوران مبارزهٔ خونین خود نیاز بـــــه
اشک وخون ،به عرق جبین ،به آبلهٔ دست وپـــای
خود داشتیم ،در دوران حمایت وپاسداری انقلاب
مان باز هم به آبلهٔ دست به عرق پیشانی وبـــه
آه واشک وقبول زحمات فراوان نیاز مند هستیـم
وباید بفهمیم که اصلاً "مبارزهٔ یک مسلمــــان،
مبارزهٔ مقطعی نیست بلکه یک مبارزهٔ دوامدار
وهمیشگی است .لذا برای همیش باید خود را سپاهی
همیشه در سنگر دانست وهمینکه ما از سنگــــر دور
شویم ...تا که عناصر مفسد ودشمنان انقلاب، انقلاب
ما را به انحراف سوق می دهند که به چنین کاری
سما ...ا ره بدهیم وا حا ره هم نخواهیم داد.

برادران عزیز! ومیشه ما در تاریخ اسلام نهای اسلامی ونهضت های انقلابی ،فکرمی کنیم درمی یابیم که بعضی از رهبران انقلاب درجهان اسلام برعلیه فساد داخلی مبارزه کردند .عده ای دربرابر استبداد خارجی قیام کردند .ما وشما درزمان معاصرمان هم باید هردو مطلب را از نظر دور نداشته باشیم .همچنان که باز دربرابر یک تعرض خارجی همیشه در سنگر باید آماده باشیم واجازه ندهیم که هیچ قدرت خارجی دیگری از لحاظ سیاسی ویا از ناحیهٔ فکری یا از رهگذر اقتصادی ویا نظامی برما یورش برند ،همچنان در داخل هم سخت متوجه باشیم که فساد داخلی باعث نشود که راه را برای استعمار یک خارجی آماده بسازد لذا باید ما مشکل خود را تنها مشکل برونی فکر نکنیم ،مشکل داخلی مشکل اساسی است :

" ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما با نفسهم

به ارتباط قضایای داخلی واینکه ما اصلاح جامعهٔ خود را در ما بین جامعهٔ خود جستجو کنیم وتغییری در خود بیاوریم باز هم به این ارتباط من برادرهای خود را متوجه این حقیقت می سازم که دشمن های ما که در سنگر شکست خوردند بعد از این باز هم خواهند کوشید در میان ما دست به سم پاشی بزنند .درمیان جوانان ما ،درمیان

سرهای متحرک وانقلابی ما فعالیت های
تخریبی انجام بدهند. لذا همه باید متوجه باشیم
استادان مدارس ومحصلین عزیزمان درمدارس
متوجه باشندکه تا عناصرمفسددرمیان مکاتب
ودرسگاه های ما نطفه‌گذاری نکنند، نطفه
اخلال نطفه فسادونطفه انحراف فکری وذهنی
راایجادنکنندوامروزبایدعده‌ای ازبرادران
آگاه ما متوجه بوده باشند: تعدادزیادی ازگروه
های مزدورومنفوردرجامعه ما باردیگربا چهره
های مختلف با قیافه‌های مختلف می خواهند
درمیان جوانان ما، ودرمیان اردوگاه های
مهاجرین ما، راه‌ها پیداکنندوتشکیلات سیاسی
بسازندوامروزمی بینیم یک سلسله فعالیت هائی
ظاهراً به عنوان کمک به مهاجرین یا به جوانهای ما
آورده وبمیان می آورند. برای درس زبان کورسهای زبان
ساختند، برای آموزش ساینس، کورس های آموزش
ساینس ساختند، برای آموزش حرفه‌های مختلف
با بعضی ازموسسات خارجی موسسات حرفوی
ساختند، موسسات صحی وکمک های انسانی
ساختندوحتی موسسات کاریابی برای عناصر
بی کارساختندکه اینهمه فعالیت هائی است که
اگرمادربین ارتباط بی تفاوت باشیم ودربرابر
جوان های خوداحساس مسئولیت نکنیم، عناصر

فتنه‌گر و مفسد یقیناً" که را ه فعالیت های تخریبی
بروی شان باز می شود و آنها فعالیت می کنند
و روزی می رسد که کار از گذشته و جوانان های
ما یا بی تفاوت و یا خدای نخواسته در زنجیر
عناصر منحرف قرار می گیرند. لذا جوانان ها امانت
بزرگ الهی هستند که باید این امانت را به
بسیار ایمان داری و دلسوزی حفظ و حراست کنیم
تا این ها بتوانند به حیث یک نیروی زنده
و یک نیروی قدرتمند و دردمند انقلابی قدعلم
بکنند و درد و سوز اسلام در ضمیرشان قوت پیدا
بکنند و تا این ها اجازه ندهند که هیچ دشمن اسلام
و دشمن حکومت اسلامی در جامعه افغانستان قدعلم
بکند و یا مجال برای رشد و فعالیت داشته باشد.
لذا همه باید متوجه شویم. اولاً" این توصیه را به
خود میکنم و بعداً" بهمه مسوءلین جمعیت، برای
همه برادران و مسوءلین تعلیم و تربیت، بهمه
علمای محترم، بهمه استادان مدارس و بهمه
مدیران مدارس توصیه میکنم که باید متوجه این
حقیقت بوده باشند. برادران عزیز، چه جوانها
و چه سائر برادران مسوءل انقلاب، متوجه این
حقیقت یقیناً" هستیم که هر مبارزه ای که بی هدف
باشد اصلاً" و ر آ نمیتوان مبارزه گفت. جهاد ما
هدفمند بوده و است و ما هدفی داریم که تا رسیدن

به این هدف و آلامبا رزهٔ ما ادامه پیدا میکنند وکارما تا تمام نشده باشد، هرگز این مبارزهٔ خود را نیمه را ه نمی گذاریم وبلکه هر مسلمان یک عنصر مبارز همیشه درسنگر است که بگفتهٔ شاعر که:

"موجیم که آسودگی ما عدم ماست
ما زنده بر آنیم که آرام نگیریم"

لذا مبارزهٔ اسلامی ما یک مبارزهٔ هدفمندی است که در پهلوی خروج کامل قوای روسی تشکیل یک دولت اسلامی و آزادی کامل افغانستان وبعداً تعمیر دولت اسلامی افغانستان وتعمیر افغانستان وتعمیر ملت ما ن است، ما بعدا ز آزادی باید حکومت اسلامی را تشکیل بدهیم در راه تشکیل حکومت اسلامی مطلب مختصری را به ارتباط بعضی قضایای اخیر نا ره می کنم که: یک سلسله شایعه های مختلف هم در پس او اخر بازبان زد شده چنانچه همه میدانیم که ما در جمعیت بخاطر برو ن آمدن از خلای سیاسی که متوجه جهاد گرا ن مؤمن ما بود، از آغاز اعلام کرده بودیم که مبارزهٔ ما نه بخاطر این است که روسها برآیند و در افغانستان یک حکومت سیکولریزم به میا ن بیاید، در افغانستان عناصر بی خاصیتی قیادت را بدست بگیرند و در افغانستان حکومتی بمیا ن بیاید که دین را از

سیاست جدا بدانند ،لذا ما به این عقیده بودیم
وهستیم که خروج قوای روسی یک وسیله‌ای است
برای هدف عالی ما که عبارت از تشکیل یک دولت
اسلامی است ،لذا ما برای تشکیل دولت اسلامی
از هر نوع تلاش مثمر وسازنده‌ای دریغ نکرده
ونمی کنیم .لذا در روزهای که ما احساس می‌کردیم
که حال با وجود قوت ونیرومندی سنگرها از لحاظ
سیاسی ضعف ونارسایی در اتحاد اسلامی مجاهدین
وجود دارد ،جمعیت تلاش های وسیع وگسترده‌ای
سیاسی را در دوران مسؤلیت اتحاد براه انداخت
که بلطف خدا وبه پیروزی هائی زیادی نصیب
مجاهدین شد ،تیوری وترس را یکدسته‌ای
کوردوبرنیاده میشود این دسته با همه ابعاد
خطرناکش به اصطلاح درگور فراموشی دفن شد وخود
کوردوبرهم از مقصد افغانستان بکلی سبکدوش
گردیده ،مجاهدین توانستند که به حیث یکطرف
اساسی در دوران که هیچ کسی این ها را به حیث
یک جهت اساسی نمی شناخت به عنوان یک
قدرت اساسی وانکار ناپذیری در مذاکرات
بین المللی روسها را مجبور ساختند که پای
میز مذاکره بکشانند .مجاهدین توانستند در سطح
بین المللی با سرمنشی ملل متحد به حیث یکطرف
وبه حیث یک قدرت نماینده از طرف مردم افغانستان

قضایای مربوط به کشور وجهاد خود را ومطالبه
تعیین حق سرنوشت خود را توسط خود مردم.
افغانستان ونمایندگان برحق شان مطرح کنند
ومجاهدین توانستند خطرات ریادی عناصر طفیلی
راکه می خواستند درانقلاب افغانستان بعد از
پیروزی حکومت را بدست بگیرند بناکامی روبرو
ساختند وبعد از این همه پیروزی ها باز جمعیت
اسلامی افغانستان در اتحاد اسلامی افغانستان
خواهان برشدن خلای سیاسی بود وما خواهان این
بودیم وهستیم که باید حکومت مجاهدین بجای
حکومت مزدور خلق وپرچم (که بعد از خروج شوروهای
روسی از افغانستان یک خلائی بمیان آمده)
تشکیل شود وپیاده گردد وما خواهان این
مطلب واین حقیقت بوده وهستیم. البته
اینکه چه مسائلی واقع شد وحالا نتیجه همه میدانیم
که بخاطر خروج ازین حالت، جمعیت با قدرت
وسیع در سنگرهای خود وبا وجود عظمت جهادی خود
آماده شد که با خوردترین گروه ها خود را یکجا
وموازی با تعداد نماینده هائی که آنها
می خواهند (در مجلس استشاری ومشورتی) جمعیت
هم به همان تعداد بخاطر اسلام وبخاطر خروج
ازین خلای سیاسی که متوجه جهاد ومجاهدین
بود این کار را انجام دادیم درحالیکه عدالت

ایجاب میکردکه نباید این کار را قبول کرد اما
اخلاص به اسلام و انقلاب و بخاطر اینکه از آبروی
ملت مجاهد خود دفاع بکنیم و برادران دیگر این
قدر انصاف نکردند که بگویند تعداد ما نسبت به
تعداد گروه های بزرگتر باید کمتر و بوده باشد
بلکه آنها هم خواهان همان تعدادی بودند که
بزرگترین گروه های جهادی باید با همین تعداد
اعضاء در شورای مشورتی می فرستادو طوریکه
پیشتر فایر صاحب یک مطلب بسیار دلچسپ را ارائه
کردند که در اسلام دو چیز است :همایثار است و هم
قسط است .
یک کسی که ایثار می کند به این معنی نیست که
به کسی گفتی که من خادم تو هستم دست ترا بگیرد
و بگوید بیا که ترا در بازار بسودا کنم و اما قسط
مطلب اساسی دیگری است که خداوند بما امر
می کند در حالیکه ((ویؤثرون علی انفسهم
ولوکان بهم خصاصة)) عنوان یکی از صفات
مؤمنین ،ایثار را بیان می کند اما در قسمت
قسط و عدالت امر می کند که برای شما قسط
واجب است .اگر ایثار یک طبیعت اخلاقی
مسلمانان است اما قسط وجیبهٔ مؤمن است که
تطبیق عدالت یک وجیبه است ،ایثار یک اخلاق
و یک حالت گذشت مسلمان است و اما قسط یک

فریضه ویک وجیبه است برای مسلمان که اگر در جامعه قسط وعدالت نباشد وما عدالت را بالای خود وبالای دیگران تطبیق نکنیم واز حقوق برحق وعادلانه مسلمانان دفاع نکنیم پس ظلم میکنیم اگر از حق خود دفاع نکنیم ظلم می کنیم ،واگر از حق مسلمانها دفاع نکنیم ظلم می کنیم ،واگر ببینیم که کسی قسط وعدالت را زیرپای میکند وما خاموش نشستیم ظلم می کنیم ،ویک امر اسلامی را ترک گفته ایم .با وجود این که ما ایثار کردیم اما دیگرها قسط نداشتند ودیگرها به فکر عدالت نبودند.

خیر به همه حال تعداد افراد بدون مراعات قسط وبا اعتبار ما در شورای استشاری آمدند وابن مثلت گذشت اما این مجلس شورا هم یک مجلس شورای استشاری بود ،جمعیت اصلاً به این عقیده بود که این مجلس نمی تواند حیث یک مجلس نماینده ومجلس رای گیری بوده باشد .این مجلس حق رای گیری را ندارد وتنها حقی که دارد تنها که مسئله ، که به اتفاق ،توسط مجاهدین صورت می گیرد عین همان فیصله توسط این ها تائید می شود وباز دمی گردد .وبار هم از شورای قیادی یا از شورای رهبری می خواهد که حکومت دیگری معرفی شود بهرحال حکومتی که بیشتر بیش

سمی شده بودحکومت انجنیرصاحب احمدشاه سود .ما درجبدحبزبا شکل ترکیب حکومت نظرات وملاحظاتی داشتیم: اول ما بدین نظربودیم کدشن ماه برای یک حکومت درست نیست .تعیین شن ماه برای یک حکومت یک کارمسخره است وحکومت ضعیفی را بمیان می آورد .این مطلب یکی ازملاحظات ما بود .ما می گفتیم که کم از کم یک ونیم سال باشد ما با ثر برادرها به شش ماه اصرار داشتند .ما به این عقیده بودیم که حکومت با ید تنها یک حکومت روی کاغذ نباشد .حکومت قوی شود وبرای تقویهٔ حکومت .ما دوفورمول داشتیم: فورمول اول ما این بودکه ما می‌گفتیم باید درسطح رهبری حکومت .یکی ازرهبرها سرا ربگیرد ودیگررهبرها با مستقیماً" درحکومت سهم بگیرند ویا کمک وپشتیبانی بسا رجدی واساسی ازحکومت داشته باشند ودرقسمت حکومت انجنیرصاحب احمدشاه :چون ما اورا قبلاً"تائید کرده بودیم .یک ملاحظه داشتیم که باید به خاطر تقویهٔ حکومت انجنیرصاحب احمدشاه .ازمیان تومانداتهای پرتوان وقدرتمند داخل .عدهٔ ازافرادشان درجاهای مناسب ومساعدی به حیث وزرای حکومت تعیین شوندتا بتوانند این حکومت به حیث یک حکومت موردقبول مردم .اهداف عمدهٔ

نسل جوان وامالت بخشیدن وجهت دادن به این نسل توجه عمیق نموده است. اگر نسل امروز جامعهٔ ما هدفمند بار بیاید، درد آشنا و پرخاشگر باشد، آگاهی داشته باشد و احساس، یقیناً فرداهای شکوهمند و پرافتخار نصیب ما و مردم ما خواهد بود.

استاد برهان الدین "ربانی" رهبر محبوب و زعیم انقلابی و آگاه و برنیاز مندی های مردم و جامعه و انقلاب، طی سخنرانی در محضر جوانان و محصلین و دانش آموزان در غند خالد بن ولید "رض" به اهمیت نقش جوانان و فرزندان اصیل و آگاه و تاکید فرموده و مطالب مفصل و مبسوطی پیرامون وظایف و مسئولیت های سنگین اجتماعی و دینی آنها را ذاشتند که ما متن کامل آنرا غرض آگاهی و استفادهٔ برادران و خواهران مسلمان خود تقدیم میداریم.

(اداره)

ا برا که عبارت از تاء مین امنیت در افغانستان وانتقال قدرت به مجاهدین وتشکیل یک دولت مستحکم مستقر است بمیان بیاورد ودر ترکیب حکومت مطلب دیگری را که ما پیش تها دکرده بودیم این بود که : چون درشرایط کنونی عبادت های فردی مشکل ایجاد میکند چرا که تا هنوز از مردم رای گرفته نشده ، وفراند وم صورت نگرفته ونا هنوز مردم ، به اصطلاح زعامت خود را از طریق انتخابات برنگزیده اند ، بعضی ها بیا ز یا د مدعی انتخابات وانتخاب بودند ومی باشند وما هم البته با انتخابات مخالف نبوده ونیستیم اما ما شرایط بهتری برای انتخابات می خواهیم ، ما به این عقیده بودیم که در این دوران با ید قیادت دسته جمعی با شد به این معنی که از ملیت های مختلف وا ز گروه های مختلف با ید در قیادت فعلی افغانستان سهم بگیرند و رهبری دسته جمعی بمیان بیاید نه اینکه یک فرد واحد بکلی همه قدرت را در اختیار داشته با شد و هرچیزیکه بخواهد بکند بلکه باید قشرهای مختلف بخاطر وحدت ملت افغانستان در حکومت سهم داشته باشند . برادران شیعه وبرادران طوایف مختلف افغانستان ، احساس محرومیت نکنند وباید در این حکومت سهم داشته

باسندودرین مرحلهٔ انتقالی یک رهبری
دسته جمعی باعث شودکه امنیت درافغانستان
تاءمین نماید ووحدت ملی افغانستان را ضمانت
کند وجلو هرنوع انحراف را بگیرد ،بهرحال
ماخواهان این بودیم که قومانداتها وافراد
وملیت های مختلف افغانستان دروزارت برادر
احمدشاه شریک شوند ما براستی که درهمان
روزهای اول ،وقتیکه ما یک پیش نهاددادشتیم
که : چون جمعیت از لحاظ نظامی قدرتمنداست
بایدوزارت دفاع به جمعیت داده شودوبعضی از
برادرها تصورکردندکه شایدبرادرولین مرحله ،
وزارت دفاع به احمدشاه مسعودداده میشودبه این
اساس یکدم عکس العمل های عجیب وغریب پیدا
شدویکی ازبرادرها عجیب یک حرف نادرستی را
گفته بودکه استادمی خواهدکه ما را توسط
جمعیتی ها وبرادرهای پنجشیری ازبین ببرد !!
من تعجب می کردم که این حرف ها درحالیکه
نبود ،ما می خواستیم که برادرها را قوت بدهیم
وتقویه بکنیم ،بهرحال تنها چیزیراکه ما
می خواستیم ومطلبی راکه ما آرزوداشتیم درقسمت
حکومت برادرانجنیراحمدشاه ما راضی بودیم
مگربا این یک نوع تهدیدی که :همین نقاط
مدنظرگرفته شودوبعداز آن سقوط حکومت انجنیر

احمدشاه توسط جمعیت صورت نگرفته و بدبختانه تبلیغات زیاد صورت گرفت که جمعیت این را سقوط داد وحتی یکی از برادرها سخت خفه بود که پس خلاص ما گذاشتیم افغانستان را برای فلانی، ما رفتیم دیگر. درحالیکه ما اصلاً هیچ درآنجا چیزی نداشتیم تنها، مجلس شورای (۶۰) نفری جمعیت اینها باهم نشستند وگفتند که ما باید وزارت دفاع را مطالبه کنیم واین حق ما است وما باید از حق خود دفاع کنیم. وزرائی که باید معرفی میشد در عین اجلاس معرفی نشد اما وقتیکه ما رفتیم و وزراء معرفی شدند کسانیکه در شورا بودند، آنها وقتی نام وزراء را شنیدند ولی پست وزارت شان درآنجا ذکر نشده بود، پرسان هائی صورت گرفت که وزیر کی است؟ وبکدام وزارت تعیین شده؟ این را باید ما بفهمیم، همهمه ها وزمزمه هائی از هر طرف بلند شد، در پهلوی این ضمن وزارت خانه های دیگر، وزارتی بنام وزارت تعلیم و تربیه نسوان بود که البته بخاطر یک مصلحت بعضی از علمای محترم ما پیشنهاد کرده بودند اما عکس العمل هائی صورت گرفت وبالاخره مجلس از هم پاشید و سرانجام حکومت که باید رای اعتمادی میگرفت موفق نشد که رای بگیرد و سرانجام یک تعداد زیادی از اعضای شورا

به این فکر بند که با ید طرح دیگری به میان بیاید و طرح قوی تر به میان بیاید، بهر حال در حالیکه شکست و یا عدم موفقیت حکومت مربوط به جمعیت نبود اما تبلیغات گمراه کننده و تبلیغات بسیار منحرف علیه جمعیت به کار افتاد که گفتند، همین جمعیت بود که حکومت انجنیر صاحب احمدشاه را سقوط داد، بهر حال در این قسمت ما هیچ کاری نکرده بودیم.

وتنها کاری که ما کرده بتوانیم این بود که شورای جمعیت یک مطالبه کرده بود و می خواست که وزراء را معرفی کند و کسی هم نمی فهمید که وزرای معرفی شده از کی است و شکست حکومت انجنیر صاحب احمد شاه به این ارتباط نداشت. بعد از شکست اول بعدادی از برادرها باید به اساس سائری که برایشان پیش شد تصمیم گرفتند که یک تعدادی از اعضاء با هم بنشینند و یک سلسله برنامه هائی ما بین خود (که البته حق شان بود) بسازند که فلانی مثلا "رئیس" و فلانی صدراعظم و فلانی وزیر دفاع و چنین و چنان بوده باشد، و بهر حال رای گیری ها پیش بینی شده بود، اما جمعیت به این طرز رای گیری قطعاً موافق نبود چرا ما به این عقیده بودیم که اساساً این مجلس مجلس استشاری است و به این اساس بود که

وقتیکه برادران جمعیت درتالار آمده بودند وما هم اطلاع نداشتیم، اینطور یک برنامه ساخته شده واین ها هیچ مطلع نبودند. هیچ کس نمی فهمید که برای کی رای بدهد، ودورای حق داشت که البته یکی آنرا برای جمعیت میداد، یکی دیگررا برای کسی بدهد؟ چون ما برایش قبلاً چیزی نگفته بودیم بیش از آن برنامه نداشته بودیم اما دیگرها برنامه داشتند ودیگرها برایشان موضوع روشن بود که برای کسی رای بدهند وبا ید برضد جمعیت صف بندی صورت بگیرد پس بعضی از برادران جمعیت برادرها را پرسان می کردند که برادر! رای دوم خودرا انشاء الله برای جمعیت می دهی خوب برادر سابقه دار جمعیت بودی حالا اگر به حزب دیگر رفتی خیر است. میگفت: نخیر ما خو فیصله کردیم که به مولوی صاحب فلانی رای بدهیم، بهرحال دیگران با برنامه بودند وما هیچ اصلاً درین قسمت هیچ برنامه نداشتیم ونمی خواستیم که در قسمت انتخابات چنین برنامه داشته باشیم زیرا اصلاً این یک مجلس وشورای انتخاباتی نبود بلکه یک جلسهٔ شورای مشورتی بود، بهرحال برادرها هرکاریکه کردند مربوط به خودشان است، هر امانت را بهرکس که سپردند خداوند برادرها را

موفق بسازد ،لیکن اینطور بودکه به اساس دستورگروهی ومفاهمه‌های قبلی رای گیری ها صورت گرفت ونتایج رای گیری چه مثبت وچه منفی ،چه خوب وچه بد اعلان شدوجمعیت به اساس التزامی که دربرابر تعهدخودداشت گفت که بلی، این حکومت را ما تائیدمی‌کنیم ما دراین حکومت وزیرمی شویم من‌هم گفتم‌که دربن وزارت شامل می شوم ،آخرین وزارت راکه به اصطلاح وزارت تعمیروآبادی افغانستان است من گفتم‌که این‌را می گیرم وخودمن به‌حیث وزیردراین بخش کار می کنم .کمازکم‌تا وقتیکه‌کمی به اصطلاح‌حکومت جان بگیرد ،این کاررا من می کنم ،امامصیبت‌ها راینکه‌آنقدرهیاهوی وتبلیغات براه‌افتید وبعدازبرادرها ئیکه‌درحکومت هیچ شامل نبودند درموردآنها تبلیغات صورت نگرفت مگردرمورد جمعیت آنقدرهیاهوی وتبلیغات براه افتاد که به اصطلاح به‌عرب وعجم ،کافروومسلمان هرجائیکه رسیدندآوازشان‌ رارسانیدند که‌جمعیت حکومت را تخریب می کنند ،اگرواقعاً" ما حکومت را تخریب کنیم ،آسانترین کاراین بودکه ما اعلان می کردیم‌که دراین حکومت نیستیم ما یقین‌داریم که‌نبودن جمعیت برای حکومت شایدکمترمجال میدادکه‌خودش خودراحکومت بگویدویا بتواند

که بنام حکومت یکروز هم آواز خود را بلند کنند
بهرحال چیزیکه واقع شده فعلاً جمعیت در حکومت
است و از حکومت پشتیبانی می کند و تبلیغاتی
که صورت می گیرد، این تبلیغات هرزه و بیهوده
ای است.
اصلاً برای ما اسلام عزیزتر است، کشور ما عزیزتر
است، ملت مان عزیزتر است. برای ما این کرسی
های موقتی ارزش ندارد ما یکچیز را به برادرها
تاکید می کنم که نه به خاطر خود بلکه بخاطر حقوق
اصلاً برای ما اسلام عزیزتر است، کشور ما عزیزتر
است، ملت مان عزیزتر است. برای ما این کرسی
های موقتی ارزش ندارد ما یکچیز را به برادرها
تاکید می کنم که نه به خاطر خود بلکه بخاطر حقوق
مردم خود و حقوق سنگرهای خود و حقوق افراد
مظلوم و محروم خود که اینها برای انقلاب اسلامی
و برای تشکیل دولت اسلامی رنج های بی حسابی
کشیدند، بخاطر اینها و برای آینده کشور،
ما نمی توانیم که بی تفاوت بوده باشیم، بی غرض
بوده باشیم، به اصطلاح زاهدهای تارک دنیائی
شویم که هیچ نوع ارتباطی به دولت و به تشکیل
دولت و به سهمگیری جمعیت در تشکیل دولت
نداشته باشیم. این پارسائی و این مسیحی

طبیعتی را بعداً از این ما اجازه نمی دهیم که به اصطلاح به طبیعت مسیحی یا طبیعت کسانیکه "مال قیصر لقیصر و مال الله لله" به کار دنیا و به دنیا و به اینها کار ندا ریم، این مسأله در جمعیت نباید به این طرز دید دیده شود بلی ما بخاطر کشور مان آماده هر نوع قربانی هستیم اما باز هم بخاطر تطبیق عدالت اسلامی نمیخواهیم که با زنیرنگ هائی بمیان بیاید که برادرهای ما محروم شوند، برادرهای ما از حقوق شان در آزادی و آبادی کشورشان سهیم نبوده باشند اگر حکومت کردن در یک کشور اسلامی گناه باشد باید هیچ کس قبول نکند و اگر یک خدمت اسلامی باشد باید همه کس در این مسابقه سهیم باشد. لذا من برای برادرهای جمعیت توصیه می کنم که در حالی که از حکومت تا شید می کنند، در حالیکه دیگر کشمکش های دیروز را دوباره زنده نمی سازند اجازه ندهند که نفاق ها و اختلاف ها و مسائل ذات البینی و درون حزبی بمیان بیاید. این مسائل را و این صفحه را کیسره بپیچانند. صفحه نوی باز کنیم، قدم نوی بردا ریم، راجع به کار های قبلی خود تجدید نظر کنم.

براستی بعد از این دستگاه جمعیت به حیث یک دستگاه دولتی نباید بوده باشد. دیروز بیشتر از

ادارات ما اینطوراحساس می کردندکه ما مامور دولت هستیم ،اگرچه طرز العمل ادارات ما از دولت می ریزد با یدد ر داد منت بکشیم. تنها یک عده برادرهای روزگذار بودند که هیچ فکر نمیکردند که عناصر انقلابی هستند، این طبیعت در بین ما حاکم بود. البته در ما بین تعدادی از ما شاید در عده ای از افراد ما.

بهرحال مرض وقتیکه دریک جای پیدا می شود بالاخره تکثر پیدا میکند، کلان می شود، وشیوع پیدا می کند. جلوامراض اجتماعی وسیاسی را باید بگیریم. ما درشرایط کنونی با تشکیلات محض مامورمنشانه ودولت منشانه دیروزکه تنها خاصیت ماموریت داشتند نه خاصیت انقلابی، دیگر نباید اکتفاء کنیم. باید نوآوری درکارهای ما بمیان بیاید، درخود ما تغییر بیاید، در ادارات ما تغییر بیاید، درکارهای ما تغییر بیاید، دستگاههای ما باید به حیث دستگاههای حزبی وانقلابی عرض اندام کنند. بخاطر معاش ما باید عضو نگیریم، بخاطر معاش دادن کسی را مقرر نسازیم، بلکه بخاطر کار رحتی بدون مزدومعاش باید کار کنیم. بخاطر سربلندی اسلام وانقلاب اسلامی باید آماده قربانی وفداکاری بوده باشیم. لذا باید تغییرات اساسی بمیان بیابد

تغییرات عمده درخود بوجود بیاوریم. درمشی خود ودرتشکیلات خود یک بینش جدیدی بمیان بیاوریم و به همین اساس یک بار دیگر پیشنهاد می کنم و تصمیم دارم که این کار را انجام دهم که تغییراتی درکارهای خود می آوریم، درطرز کار خود، درتشکیلات خود، رفعالیت های خود، تحولاتی را بمیان می آوریم. نظرهای مثبتی که برادرها دارند، باید کتبا" بدارا لانشاء جمعیت بسپارند، ما امیدوار هستیم که انشاء الله حالت فعلی مان دیگر دوام نکند. ما در آستانهٔ تغییرات جدیدی قرار داریم که داخل شدن در افغانستان است. باید همه برادرها بدانند که چگونه به افغانستان می روند، با چه کسانی یکجا می روند، یاران همسفر و همسنگرشان کیست؟ چه کسانی هستند که با همدیگر خود باروباور هستند؟ همدل وهمفکر هستند؟ دراوامه مبارزه تا پایان کار، وظایف خود را پیش می برند، باید هر یک ما وشما با خود چنین فیصله ای را داشته باشیم دوگانگی وجدائی خود را بعد از این باید دور کنیم. اگرخدای نخواسته در ما یکنوع ترددد درونی بوده باشد باید این را خود دور سازیم. باید بعد از این تمام طرز دید خود را " طرز دید توحیدی "سازیم، اندیشهٔ ما راجع به ساز مان ما ن، راجع به کار

قسمت اول بیانیهٔ رهبر جمعیت اسلامی
افغانستان
درسمینار غندخالد "رض" سنولیذ

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله وکفی والسلام علی عباده الذین مطفی اما بعد :-

برادران خیلیها عزیز ،محصلین گرانقدر حوامان انقلابی ورزمنده ومؤمن ،مجاهدین عزیز السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته وبعد :

احتماع مبارک امروزی شما که یکی از گامهای باارزش درجهت خدمت به ملت مؤمن وانقلاب اسلامی ما ورشد وتقویت هرچه بیشتر

های مان ،بایدبکلی مبتنی بر "توحید"باشد
به این معنی که ما باید به خود فکر کنیم ودر این
رابطه حرف های اقبال بیادم می آیدکه راستی
اقبال مرضی را که درداخل جامعهٔ اسلام فکر میکرد
این بودکه : همیش مسلمانان درجوامع اسلامی
تمدن ظاهری وفرهنگ ظاهری ومدنیت ظاهری
عرب اینها را حیرت زده ساخته بودواینها اصلا "به
خود وبه فرهنگ خود وبه مدنیت وتمدن خود فکر
نمی کردندواینها نمی اندیشیدندکه در دنیای
عرب چه کارهائی شده وما چه نوع تقلیدازآنها
کنیم ،شایدما هم همین طوربوده باشیم که همیش
بگوئیم که فلان گروه چه کارهای خوبی داردوچه
کارهائی می کندوهمیشه ازخودانتقادکنیم
وازدیگران تمجیدا ین یک عمل نادرست ،غیر
اسلامی وغیرحزبی است .یک عنصری که مربوط
به یک سازمان میباشد ،هرگزبه قیمت ویرانی
خودخانه های دیگران راآبادنمی کند ،اگر
معتقدات که راستی ما هم اگر یک خانهٔ برای
خدمت به مسلمانها داریم باید این مرکزکارخود
راآدم ویران نکندتا خانه های دیگرآباد
می شود ،یا نمی شود؟ آیا نتایج کارآنها به ثمر
می رسدیاخیر؟ درقسمت آبادی آنها طوری کوشش
کنیم که گویا به قیمت ویرانی خودما نما مشود،

این عمل یک عمل دور از تعلیمات اسلامی ودور از اندیشه‌های یک سازمان سیاسی اسلامی است .که ما باید اول به خود متوجه باشیم ، کمبودهائیکه داریم ،کمبودهای خودرا رفع کنیم وبروی زخمهای خود انگشت بگذاریم وبه علاج آن بپردازیم وهمیش باید نواقص و مشکلات را اینطور فکر بکنیم که به اصطلاح همه خوبی ها درهمهٔ ماست اما بدیها را دیگرها دارند کوشش بکنیم که ببینیم نواقص هرفردما چیست ؟کلان ما مثلا"من به صفت مسئول چه نواقص دارم که باید نواقص خود را آدم اصلاح بکند .آیا خودرائی است ؟ آیا خود سری است ؟ آیا مثلا"مشوره‌های مثبت گرفته نشده ؟ باید بعد از این فکرشود وسر از نو باندیشیم وتجدید نظرصورت بگیرد ،برادر دیگری فکر کند مسئولیت ما چه بود ،درکار خود چه ابتکاری کردیم ،چقدر کارهای اساسی انجام دادیم ،دردفتر خود ،دراداره‌ٔ خود ،محصول کار یکساله ما چیست ؟ من دراین سالیکه گذشت چه کاری کردم گاه گاهی درگذشته‌ها شنیده میشد ،من گاهی می شنیدم کسی یک "گیله" می کرد ویک شکایتی ،این هم همراه با چند شکایت وچند گیله‌ای ضمیمه می کرد حتی دردفاتر رسمی ما ،دفاتر رسمی ما یکسان وقت میشد بنام حلقه‌های تبلیغاتی یا تخریبی

صدجمعیت مبشدبه این معنی اگرکسی یک کیله را بلندکرده بودکسانی دیگری هم با او یکجا میشد ومی گفت که ما خط نداریم، ما رسم نداریم، ما جسر وجنان هستیم وحتی اگرکسی ازجبهه ما وساز دفترما شکایت داشت، ما دو صدشکایت دیگر را یکجا با آن ضمیمه میساختیم وبالاخره اذهان مردم را بکلی مغشوش می کردیم وچه بسا که درسطح مسئولیت های کلانی هم قرار می داشتیم ما بازهم احساس نمیکردیم که همین حرفهائی را که ما میگوئیم، این حرفها اصلا" ضعف شخصیت خود ما را نشان میدهد که ما وقتی این طور مشکلاتی هست چرا دیروز به اصلاح آن نکوشیدیم. چرا کوشش های اساسی نکردیم؟ چرا دلسوزانه کوشش صورت نگرفت، بعد از این، طرز اصلاحات وکارهای ما به این شکل نباشد، یعنی نباید ما به ریشه خود تیشه بزنیم، بلکه ما باید کارهائی را انجام بدهیم که اگر نقض وجرحی درکارها می کنیم بخاطر تعدیل وبخاطر تصحیح امور بوده باشد نه بخاطر تخریب وویران کردن هرچه بیشتر.

برادران عزیز ! حرفهای ما به برادرهای کلان وبزرگ جمعیتی بودکه باید احساس مسئولیت بکنند ،دوباره راجع به مشی وطرزکارخودتجدید نظربکنندوما همچندروزقبل اعلان کردیم که بعد از این ما باید در هردفترخودودرهرسنگرخودیک بسیج تشکیلاتی راا علان کنیم ،بسیج تربیتی را اعلان بکنیم ،منتظرنباشیم که تا همه کارهای ما یکسرجمع وجورمی شود .بعدا زین ما کارهای دفترخودرا ،کارهای سنگرخودرا وتشکیلات هسته های خودرا مرتب می کنیم .باید حلقه های فکری ،به آگاهی دادنها شروع کنندوبه برادر های جوان خودوبه قشرهای روشن انقلاب خود توضیه میکنیم : اینها هم باید درمبارزه خود قسمیکه دلسوزهستندآگاهی نیزداشته باشند ،باید ما درشرایط کنونی شعارهای خودرا وصحبت های خودرا طوری تنظیم بکنیم وبسیار بکوشیم که وحدت ملت افغانستان را تامین بکنیم .اجتماعات مختلفی داشته باشیم ،نه تنها این اولین اجتماع

باشد و ما باز انتظار چند ماه دیگری را بکشیم بلکه
باید هر هفته، هر ماه، اجتماعات مسلسلی در
هر مکتب و در هر مدرسه داشته باشیم. دو مدرسهٔ بزرگ
ما (مدرسه عالی ابوحنیفه "رح" و لیسه عالی
مجاهد) و سایر مدارس ما اینها سخت متوجه باشند؛
استادان و مدیران شان اجازه ندهند که عناصر
منحرف، فعالیت های تخریبی کنند. باید برادرها
متوجه بوده باشند که دیگر اگر هر فردی از احزاب
دیگر در مدارس و مکاتب ما درس می خوانند "هلا
و سهلا". برایشان همکاری میکنیم، اما اگر در
آنجا بر ضد جمعیت و بر ضد تشکیلات جمعیت کاری
میکند برایش مجال داده نشود.
این مسئولیت مدیران، مدرسین و معلمین
ماست و اگر ما بعد از این حرف ها را بشنویم
برای ما قابل تحمل نیست که در اینجا هسته های
مختلف حزبی، از احزاب دیگر در متن ما تأسیس
شود. و از برادرهائی از یکجا به جای دیگر دعوت
شود. و این اعمال نادرست را دیگر ما نمیتوانیم
که بپذیریم. لذا همه برادرها متوجه حقایق باید
بوده باشند که در مکتب اصول و نظامهای داشته
باشیم که اصلاً هرکسی که در آن مکتب و مدرسه
شامل می شود، بر اساس و مبنای همان اصول
باید خود را تطبیق بسازد. به این اساس به مدارس

خود باید توجه جدی داشته باشیم.
ما باید چاره بدهیم که بر ضد افراد جمعیت ما ن
شعارها، علیه یکدیگر کسی تکرار نکند، ما برادر
هستیم و برادروار اخوت و صمیمیت و برادری را در
ما بین همدیگر استحکام ببخشیم، در قسمت ارتباط
با وحدت ملت افغانستان، اسلام اصل و پایه
جمعیت و کار هر مسلمان و روح انقلاب اسلامی
ما ست ما بر اساس اسلام حرکت می کنیم نه بر اساس
برادوربان و قوم و منطقه و فلان و بهمان. این
حقیقت را ما باید به جدی مدنظر داشته باشیم ما
با هیچ حزبی اعلان دشمنی نمیکنیم ما ابراز هم
نمیخواهیم به اصطلاح مال یک متاع بی صاحبی
باشیم که هر کسی از ما استفاده ای به نفع خود
و به نفع کارهای خود بکند. هرکسیکه با ما مخلصانه
دست برادری داد (اما دست برادری عملی) آماده
هستیم برادر باشیم و سود داشته باشیم و کسانیکه
با ما دشمنی کنند در هر حالتیکه ما ... در نتیجه از قرار
می گیریم از خود دفاع ... میکنیم و هر کسیکه ... ز
معتدی و متجاوز ... شود باشیم ما انشاء الله
در ارتباط با کارهای جمعیت، برای ... و ربها
و تحولاتی زیادی را در همه ابعاد داری، ابعاد
سطامی خود و در میان جوانها و در میان قشرهای
مختلف ایجاد میدهیم. مسئولیت همه برادرهاست

مبارزین جمعیت اسلامی افغانستان د
مبارزه، خود بااوضاع وشرایط گیج کننده رو
شوند - تراکم مشکلات وحملات وحشیانه دشمنان این جنبش نجات بخش ، توطئه های خائنانه، نقاب داران وماسکداران ، آینده را درنظرشان مجهول وتاریک جلوه خواهد داد - اما برق امید دل این ظلمت هارا می شگافد ونبرد بی ملال وپی گیر فدائیان این کاروان راه حق آینده را دربرابرما روشن وديدنی نشان میدهد ...

ازمتن کتاب

[redacted]

چاپ : مطبعه دولتی

که درقریه های خود، درشهرهای خود، درولایات
خود، درمکاتب خود، دردفاتر خود، درهرجائیکه
هستید، فعالیت های اسلامی را برمبنای
تعلیمات اسلامی وبرمحور سازمان اسلامی جمعیت
سان درست تنظیم بدهند وانشاءالله آنروزها
نزدیک است که به لطف پروردگار در افغانستان
آزاد یک حکومت عدل اسلامی مستقرشود وهمه
ما وشما اجتماعات پرشکوه مروزی خودرا دهها
برابر شکوهمندتر از امروز درکشورخود دائر
بسازیم.

اقول قولی هذا واستغفرالله لی ولکم
انه هوالغفورالرحیم.

عناصرانقلابی وجوان برداشته‌شده‌موفقیت خیلی ها باارزشی است که‌این گام‌موءثررا به همهء شما جوانان عزیزکه‌این ابتکارعمل را بدست گرفتید‌به‌استادان تانن ،به‌رئیس تعلیم وتربیه‌برادردکتورعبدالحی وبه‌همه‌برادرانیکه باشما همکاری نموده‌اندتبریک میگویم.

خوشبختانه‌اجتماع امروزی شما درروزهای دایرمیگرددکه‌روسها بعدازهمه‌وحشت وبربریت سرانجام‌دربرابرارادهء شکست ناپذیرملت موءمن ما به‌شکست روبروشدوازکشورما پا به‌فرار گذاشت وامروزما درآستانهء روزهای هستیم‌که دولت اسلامی ما به‌لطف الهی درافغانستان عزیزپیاده‌خواهدشد .امروزما درشرایطی قرار دارایم‌که‌فریادکوبندهء تکبیرشما جوانان رزمنده وانقلابی شلیک مسلسل های سنگرنشینان عزیزتان سرانجام‌دشمن را به‌شکست ورسوائی روبروساخت وکمونیزم‌بعدازسالها ظلم‌وبربریتش به‌شکست رسواکنندهء روبروشد .وامروزمیبینیم که‌یک عقب گردجهانی درارتباط به‌کمونیزم بمیان آمده ،دولت های اسلامی ،کمونیسته احزاب کمونیست همه‌به‌هرزه‌بودن اندیشه‌های مزخرف کمونیستی معترف شده‌ودرجستجوی راه

دیگری هستند .این شکست واین رسوائی محصول جهاد ملت موء من ماست که روسها نه تنها از لحاظ نظامی به شکست روبرو شدند بلکه از لحاظ فکری واندیشه هم اعتراف به شکست میکنند وامروز دارند که درابر برجهان نه تنها از حملات نظامی خوداطهار توبه وندامت میکنند بلکه از قبول نظام کمونیستی اظهار بیزاری دارند .این شکست تا پیش از جهاد ما درخیال هیچ کسی نمی گشت وهیچکسی تصور نمیکرد که روزی فرا برسد که روسها از کمونیزم برگردند .احزاب کمونیستی ودولت های کمونیست درجهان با کمونیزم وداع بگویند وبراستی بگفته امام خمینی (کمونیزم را بحیث وازه های هرزه درموزیم تاریخ مردم اورا جستجو بکنند)هیچکس چنین تصوری نداشت وچنین اندیشه وفکری را در

خیال خودنمی گشتاند که کمونیست ها وکمونیزم با چنین شکستی روبروشود واین همه شکست ها ورسوائی های کمونیزم یقینا" عامل اساسی آن وعلت اصلی آن مقاومت ملت موء من ما است که برای سربلندی اسلام وبخاطر آزادی انسانها از زنجیرالحاد وفساد وکمونیزم قیام قهرمانانه ورستاخیز عظیم خودرا براه انداختند وسرانجام به پیروزی رسیدند .ما دراین روزها همهء ما در

هرجائیکه هستیم به پیشگاه رب الجلیل باید سرسجده را برزمین بگذاریم. وشکران نعمت بزرگ را انجام بدهیم، البته شکرنعمت به این معنی نیست که ما تنها اظهار شادمانی کنیم، اظهار پیروزی کنیم. شکرنعمت معنی این را میدهد که راهی راکه انتخاب کردیم ادامه بدهیم، راه مبارزه ما طولانی است، ما هنوز اهداف عالی وآرمانهای بزرگی درپیش داریم، هنوز راهائیست که طی نشده است وبعد به سرمنزل برسیم، اینجاست که دردوران پیروزی ما بایدیکبار دیگر با خود تعهد بکنیم که برای حفظ ارزش های اسلام وبخاطر سربلندی اسلام، عمیق ساختن ریشه ها وپایه های اسلام درکشور ما تشکیل دولت، ساختن یک جامعهٔ اسلامی درافغانستان عزیز ازهیچنوع تلاش و ازهیچ نوع کاری خسته نشویم وانقلاب ما باید ادامه داشته باشد وپیروزیهای مسلسلی نصیب ملت موٴمن ما ونصیب انقلاب عظیم اسلامی ما شود اینجاست که دردوران پیروزی شکراین نعمت را ازراه تعهد عمیق به اسلام وادامه انقلاب اداء کنیم وبا خدای "ج" خود عهد ببندیم، با ملت خود پیمان ببندیم وبا خودچنین فیصله کنیم که این یک گامی بودکه درجهت پیروزی برداشتیم ما هنوز قدمهای زیادی باید درین راه برداشته شودکه پیامبر "ص"

ما فرموده‌است .

(الجهاد ماض الی یوم القیامه)جهاد با شکست روسها دیگرختم‌نمیشود ،جهاد با آزادی افغانستان خاتمه‌نمی یابد .جهاد یک حرکت ابدی وازلی است تا قیامت ،این حرکت مقدس به‌پیش میرود وراه‌خودرا از میان صخره‌ها وازمیان مشکلات باز میکنند .

این راه‌راکسانی میتوانند تعقیب کنند عناصری اهلیت چنین کار بزرگی را دارند که درمتن انقلاب پرورده‌شدند .رنجها ،دردها مشکلات انقلاب را به‌وجودخودلمس کردند ،این افرادی که‌چنین مسوءلیت ها را میتوانند داء کنند ،شما جوانان رزمنده‌وشما فرزندان عزیز انقلاب هستیدکه‌درمتن انقلاب بمیان آمده‌اید ودرمیان کشمکش های انقلابی رشدکرده‌اید درمحیط هجرت ، درمیان سنگرهای خونین بسر بردید ،مصیبت ها ،روزهای مصیبت ودردها ورنجهای ملت خودرا بچشم‌وبه‌جسم‌وجان خودلمس کردید ، ودیدیدکه‌راستی ملت ما درچه‌رنجهای بسر میبرد ،روزگار بیچارگی ،روزهای مشکلات وتکالیف را که‌ازدرودیوار رنج وزحمت میبارید شما به‌چشم‌سردیدید ،وهمچنان امروزدرروزگار پیروزی وکامیابی وعظمت انقلاب اسلامی خود

نقش جوانان در تحولات جامعه

متن سخنرانی رهبر جمعیت اسلامی افغانستان